امید آینده | نشریه اختصاصی جمعیت و خانواده | سال چهارم شماره ۲۶ | آبان ۱۴۰۵

اسکن کنید و به صفحه ما در ایتا بپیوندید

ارتباط با ما: @omid_ayande

شما کنشگران حوزه جمعیت می توانید خاطرات یا اخبار فعالیت‌های خود را برای ما ارسال کنید

امید آینده

نشریه اختصاصی جمعیت و خانواده | سال چهارم شماره ۲۶ | آبان ۱۴۰۵

به وقت مادری

دستم بگرفت و پا بپا برد
تا شیوه راه رفتن آموخت
یک حرف و دو حرف بر زبانم
الفاظ نهاد و گفتن آموخت
لبخند نهاد بر لب من
بر غنچه گل شکفتن آموخت
پس هستی من ز هستی اوست
تا هستم و هست دارمش دوست

امید آینده

نشریه اختصاصی جمعیت و خانواده

صاحب امتیاز: ستاد جمعیت و خانواده سازمان تبلیغات اسلامی

مدیر مسئول: محمدصادق ابوترابی

سردبیر: محمد هادی یعسوبی

دبیر اجرایی: محمدکاظم ابوترابی زارچی

هیأت تحریر: جمعی از پژوهشگران حوزه جمعیت و خانواده

ویراستار: جواد حجت

طراح و صفحه آرا: حسین پور عسگری

نوبت چاپ: اول / شماره ۲۶ / آبان ۱۴۰۵

موضوع این شماره: مادری

نوع انتشار: دیجیتال

ارتباط با ما: @omide_ayande

* فهرست

درآمد ۳

مادری واقعا چه جایگاهی دارد ؟ ۴

نه حرف من ، نه حرف تو ؛ حرف خدا (احادیث در فضیلت مقام مادر) ۵

شریف ترین شغل ها در عالم (سخن امام خمینی درباره جایگاه مادر) ۷

آن روز رهبر شهید چه گفت که بانوان حاضر، یکصدا به تشویق پرداختند؟ ۷

شاید این سؤال شما هم باشد؛ آیا مادری با فعالیت‌های اجتماعی در تعارض است؟ ۸

نه حرف من نه حرف تو؛ حرف خدا! ۹

درحدیث دیگران ؛ تأثیرات مثبت مادری بر سلامت جسم، به روایت منابع علمی و رسانه‌های بین‌المللی ۱۲

چرا زخانه میروی ؛ بررسی دلایل تمایل زنان به اشتغال ۱۳

مادر بودن، حتی وقتی زندگی طبق برنامه پیش نمی‌رود؛ ۱۴ روایت واقعی از زندگی مادران ۱۳

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در کلام رهبر شهید ۱۴

روایتی از خانه فاطمه ؛ گوشه هایی از سیره حضرت زهرا سلام الله علیها ۱۵

* مادری؛ شکوهی که در واژه‌ها نمی‌گنجد

مادری را با کدام واژه می‌توان معنا کرد؟ کدام قلم را یارای آن است که عظمتش را به رشته تحریر درآورد؟ کدام ترازو می‌تواند بهای این گوهر گران‌سنگ را بسنجد. نه قلمی توان وصف تمام زیبایی‌هایش را دارد، نه نقاشی می‌تواند همه شکوهش را به تصویر بکشد و نه هیچ عکسی می‌تواند عمق مهر و عظمتش را نشان دهد. گویی مادری را باید زیست، باید لمس کرد و باید با چشم دل به تماشایش نشست تا اندکی از حقیقت بی‌کرانش را دریافت.

و چه تأسف‌بار است که در روزگار ما، این حقیقت زیبا و این گوهر بی‌بدیل، آماج نگاه‌های تنگ و اندیشه‌های کوتاه شده است! چه تلخ است که کسانی، به نام دفاع از زن، بر بلندای مقام مادری خط بطلان می‌کشند و آنچه را مایه شکوه و بالندگی اوست، زنجیری بر دست و پایش می‌پندارند! گویی در نگاه آنان، مادری نه هدیه‌ای گران‌بها، که باری سنگین بر دوش زن است؛ نه جلوه‌ای از توانمندی او، که مانعی بر سر راه پیشرفت و شکوفایی‌اش.

چه تلاش‌ها که نمی‌شود تا زن را از این هویت ارزشمند دور سازند! چه اندیشه‌ها که به کار نمی‌افتد تا از شکوه مادری بکاهند و آن را از جایگاه رفیعش به نقشی کم‌ارزش و دست‌وپاگیر تبدیل کنند! و غم‌انگیزتر آنکه گاه غبار همین تلاش‌ها، بر دل و اندیشه بانوانی می‌نشیند که می‌توانستند شیرینی مادر شدن را بچشند. چه آرزوهایی که زیر سایه این نگاه‌ها رنگ می‌بازد و چه دل‌هایی که پیش از چشیدن طعم شیرین مادری، از آن فاصله می‌گیرند!

در چنین روزگاری، چه نیکوست که بار دیگر غبار از چهره این حقیقت درخشان بزداییم و مادری را آن‌گونه که هست، بشناسیم؛ نه آن‌گونه که در هیاهوی برخی اندیشه‌ها به تصویر کشیده می‌شود.

راستی، مادری چه حقیقتی در دل خود نهفته دارد که این‌چنین ارجمند و ستودنی است؟ پروردگار هستی، در نهاد مادر چه ودیعه‌ای به امانت نهاده است؟ آن آفریدگار حکیم که هر ذره از جهان را با ظرافت و حکمتی شگفت‌انگیز آفریده، برای مادر چه جایگاهی در این آفرینش باشکوه رقم زده است؟

از سوی دیگر، آیا مادر شدن به معنای محدود شدن است؟ آیا میان مادری و حضور اجتماعی زن، دیواری بلند کشیده شده است؟ آیا پذیرش این نقش آسمانی، راه رشد و شکوفایی زن را می‌بندد یا خود می‌تواند دریچه‌ای تازه به سوی بالندگی او بگشاید؟ مادری چه دگرگونی‌هایی در جسم و جان زن پدید می‌آورد و چه ثمراتی برای زندگی او به ارمغان می‌آورد؟ در این شماره، می‌خواهیم کمی از مادری بگوییم؛ از زیبایی‌ها و ارزش‌هایش، از جایگاهی که خداوند برای مادر قرار داده، از پرسش‌ها و تردیدهایی که گاه درباره آن شکل می‌گیرد و از آثار شگفت‌انگیزی که بر جسم و جان زن می‌گذارد. می‌خواهیم در کنار هم، از زاویه‌ای روشن‌تر به مادری نگاه کنیم و گوشه‌ای از عظمت این جایگاه ارزشمند را بهتر بشناسیم.

* مادری واقعا چه جایگاهی است؟

[خداوند] وقتی که انسان را آفرید، به خودش «آفرین» گفت[1] و او را برد آن بالاها، بالای بالا، پیش خودش. از روح خودش در او دمید و همه فرشتگان را به سجود در برابر او امر نمود[2]، به قدری قیمت دارد این مخلوق که اگر راه یک انسان را به آسمان باز کنی، به این می‌ماند که جهانی را از ظلمت نیستی به روشنایی هستی بیاوری[3]. پس تربیت فرزند، بزرگ کردن یک انسان نیست؛ زنده کردن یک جهان است و چه بهایی دارد این زن که خدا او را مربی انسان کرده و مُهر مادری را بر پیشانی‌اش زده! اگر مردان، مقام مادری را درک می‌کردند، لحظه‌هاشان همه در آرزوی مادر شدن، طی می‌شد و حالا چه باید گفت به زنانی که مادری را ضایع شدن عمر خویش می‌دانند، آنها که مادری را ضایع شدن عمر خویش می‌دانند، نه مقام انسان را فهمیده‌اند و نه عظمت تربیت را چشیده‌اند.

تربیت فرزند، بزرگ کردن یک انسان نیست؛ **زنده کردن یک جهان است.** نه می‌شود خدا شد و نه می‌توان خدا آفرید؛ اما مادر می‌تواند **خدایی شود و انسانی روی زمین بیاورد و او را به جایی برساند که خدانما** شود و حالا کسی هست تا به ما بگوید: آیا روی زمین، آسمانی‌تر از پرورش خدانماها، کار دیگری وجود دارد؟

۱. **وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ** * و ما انسان را از عصاره‌ای از گِل آفریدیم* سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن [رحم] قرار دادیم*سپس نطفه را بصورت علقه [خون بسته]، و علقه را بصورت مضغه [چیزی شبیه گوشت جویده شده]، و مضغه را بصورت استخوانهایی درآوردیم؛ و بر استخوانها گوشت پوشاندیم؛ سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است! سوره مومنون آیه ۱۲-۱۴

۲. **إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ * فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ** * و به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می‌آفرینم! هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید!» سوره ص آیه ۷۱-۷۲

۳. **مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا** * به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرّر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. سوره مائده آیه ۳۲
سماعه می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه پرسیدم ، ایشان فرمود: ((آن که کسی را از گم راهی به سوی هدایت خارج کند، مانند آن است که که او را زنده کرده است و آن که کسی را از هدایت به سوی گم راهی خارج کند ، مانند آن است که او را کشته است)) (الکافی ج۲ ص۲۱۰ ، تفسیر العیاشی ج۱، ص۳۱۳ ، الامالی طوسی ص ۲۲۶ ، بحارالانوار ج۲ ص۱۶)

تربیت فرزند، بزرگ کردن یک انسان نیست؛ زنده کردن یک جهان است. مادری که می‌شوی، لحظه‌هایت به اندازه یک روزگار، برکت پیدا می‌کند. تو به من بگو؛ آیا ریگ‌های بیابان‌های روی زمین را می‌شود شمرد؟ قطره‌های باران‌هایی را که از آسمان روی زمین باریده، چه‌طور؟ حالا می‌توانی عدد این ریگ‌ها و این قطره‌ها را روی هم حساب کنی؟! اگر روزهایی که خدا در این دنیا اجازه نفس کشیدن به ما می‌دهد، به اندازه این قطره‌ها و آن ریگ‌ها شود و در تمام این روزها دست بر سینه، به خدمت مادر بایستیم، باز هم به اندازه یک روز از نه ماهی که مادر، فرزندش را مهمان وجود خویش کرده، نمی‌شود!

برشی از کتاب ایران جوان بمان ، اثر حجت الاسلام عباسی ولدی

نه حرف من، نه حرف تو؛ حرف خدا!

برای شناخت ارزش و جایگاه واقعی مادر، فراتر از نگاه‌ها و برداشت‌های انسانی، بیایید به سراغ کلام خدا برویم؛ ببینیم خدایی که مادر را آفریده، درباره او چه می‌گوید، چه منزلتی برایش قائل است و در کلام اولیای الهی، عظمت مادر چگونه به تصویر کشیده شده است.

گفته شد: **ای رسول خدا!** حقّ پدر چیست؟ فرمود: تا وقتی زنده است از او اطاعت شود. گفته شد: پس حقّ مادر چیست؟ فرمود: **هرگز! هرگز! اگر کسی به اندازه ریگ های پراکنده بیابان و به عدد قَطرات باران در طول دنیا در خدمت مادر بایستد، نمی تواند حقّ یک روز را که مادر، او را در شکمش حمل کرده است، ادا کند.**

مستدرک الوسائل ج ۱۵، ص ۱۸۲

امام سجاد در رساله حقوقشان در باره حق مادر می فرماید :

حق مادر این است که بدانی او بطوری تو را حمل کرد که هیچ کس نتواند کسی را تحمل کند، و چیزی از ثمرهٔ جانش به تو داد که کسی به کسی نمی‌دهد، و با تمام وجودش تو را حفظ کرد. و باکی از این نداشت که خودش گرسنه بماند تا بتواند تو را سیر کند، و خودش تشنه بماند تا تو را سیراب کند، و خودش عریان بماند تا تو را بپوشاند، و خودش سایه بانی نداشته باشد تا تو را در سایه حفظ کند. و به خاطر تو خوابش را ترک کرد و از سرما و گرما حفظت کرد تا تو برای او باشی. **پس جز با یاری خدا تو را یارای سپاسگزاری از او نیست.**

من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۷۶

روزی مردی به نزد **پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله** آمده و به ایشان گفت: من جوان سرزنده و با نشاطی هستم و جهاد نمودن را دوست دارم.
اما مادری دارم که دوست ندارد از او دور شوم.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن مرد فرمود: برگرد و به نزد مادر خود برو و در کنار او باش.
سوگند به خدائی که مرا به پیامبری برانگیخت. **یک شب انس داشتن مادرت به تو بهتر از یک سال جهاد تو در راه خدا است.**

الکافي ج ۲ ص ۱۶۳

امام موسی کاظم (علیه‌السلام) فرمودند:
«اگر شخصی در حال نماز (مستحبی) باشد و پدرش او را صدا بزند، با گفتن تسبیح پاسخ دهد (تا به پدر بفهماند که در حال نماز است)؛ **اما اگر مادرش او را صدا بزند، بگوید: «لبّیک»**؛ (یعنی: جانم، در خدمتم)

تهذیب الأحکام ج۲ ص۳۵۰

* شریف ترین شغل ها در عالم

این مادر که بچه در دامن او بزرگ می شود بزرگ ترین مسئولیت را دارد؛ و شریف ترین شغل را دارد: شغل بچه داری. شریف ترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه است، و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برایش انبیا فرستاد.

صحیفه امام خمینی ، جلد ۷ ، صفحه ۴۶۴

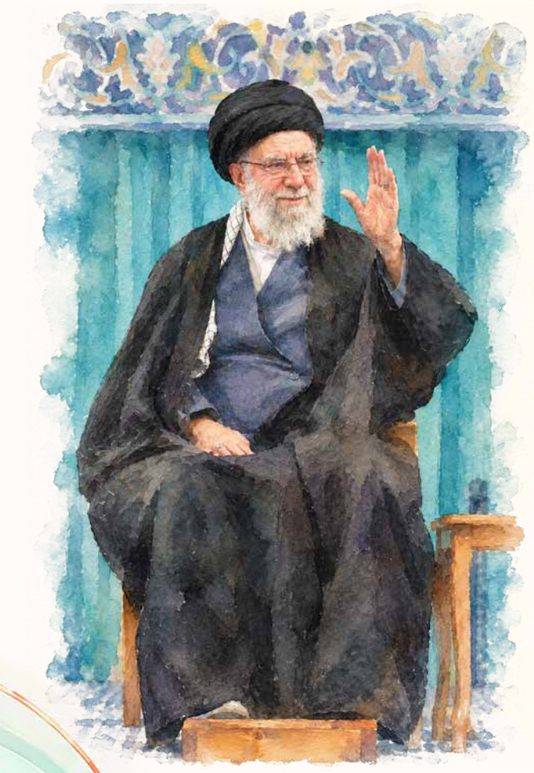

* آن روز رهبر شهید چه گفت که بانوان حاضر، یکصدا به تشویق پرداختند؟

این بخش از سخنان ایشان را ببینید
برای تماشای فیلم، QR Code را اسکن کنید

شاید این سوال شما هم باشد

• یک‌بار برای همیشه؛ آیا مادری با فعالیت‌های اجتماعی در تعارض است؟

یکی از مسائل بسیار مهمی که در موضوع مادری مطرح می‌شود و گاه مخالفان کوته‌فکری که درصدد حمله به ارزش مادری هستند، از آن استفاده می‌کنند، این است که گفته می‌شود مادری کردن با فعالیت‌های اجتماعی منافات دارد

انسان موجودی اجتماعی آفریده شده و ذاتاً به ارتباط با اجتماع و حضور در فعالیت‌های اجتماعی تمایل دارد. حال، زنی که مادر می‌شود و به تربیت فرزند مشغول می‌گردد، از ارتباط با جامعه و فعالیت‌های اجتماعی محروم می‌شود. پس وقتی چنین است، چرا یک زن باید از این تمایل فطری، یعنی میل به اجتماع، دست بکشد و خود را در چهاردیواری خانه محصور کند؟

این سؤال بسیار مهمی است و باید به آن پاسخ داده شود؛ زیرا رفع تردید بسیاری از خانم‌ها درباره مسئله مادری، در گرو پاسخ به همین سؤال است. برای این سؤال، دو پاسخ مهم می‌توان ارائه کرد که اگر با دقت به آن‌ها توجه شود، علامت سؤال‌های موجود در ذهن خانم‌ها کمتر شده و ارزش واقعی مادری نمایان می‌شود.

پاسخ اول این است که چه کسی گفته اگر زنی مادر شود، از فعالیت‌های اجتماعی و ارتباط با اجتماع محروم خواهد شد؟ اتفاقاً یکی از زمینه‌هایی که خانم‌ها را بیشتر درگیر اجتماع می‌کند و روابط اجتماعی آن‌ها را تا حد زیادی افزایش می‌دهد، مادر شدن است. مگر ندیده یا نشنیده‌اید که غالب مادران، پس از رسیدن فرزندانشان به سنین بالاتر، به واسطه حضور فرزندان در اجتماع، مدرسه، محیط‌های تحصیلی و کلاس‌های آموزشی و هنری و.... خوادناخواه درگیر اجتماع و روابط اجتماعی می‌شوند؟ چه بسیار خانم‌هایی که آغاز دوستی‌هایشان با یکدیگر، به دوران پس از فرزندآوری و تحصیل فرزندانشان بازمی‌گردد. چه بسیار مادرانی که تمام فعالیت‌های فرهنگی، علمی و اجتماعی‌شان پس از حضور فرزندانشان در مدرسه آغاز شده است. چه بسیار مادرانی که به واسطه ارتباط با معلمان، مربیان، اولیا و والدین دیگر دانش‌آموزان، جرقه فعالیت‌های اجتماعی فراوانی در زندگی‌شان زده شده است. کافی است این موضوع را از مادرانی که فرزندان مدرسه‌ای و مشغول تحصیل دارند، بپرسید. قطعاً تجربه‌های آن‌ها پاسخ‌های خوبی برای شما خواهد داشت.

اما پاسخ دوم، صرف‌نظر از پاسخ اول و این حقیقت که مادری زمینه ارتباط با اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی را برای مادر فراهم می‌کند، این است که در پاسخ به کسانی که می‌گویند مادری با فعالیت‌های اجتماعی و ارتباط با جامعه منافات دارد، باید پرسید: فعالیت اجتماعی و ارتباط با اجتماع، اساساً به چه معناست؟ اگر بخواهیم فعالیت‌های اجتماعی یک زن را دقیق و اصولی معنا کنیم، دست‌کم می‌توان دو معنا برای آن در نظر گرفت:

۱. فعالیتی که با جامعه مرتبط باشد و ارتباط فرد با جامعه قطع نشود.

۲. فعالیتی که بر جامعه تأثیرگذار باشد و زن بتواند از طریق آن، بر جامعه خود اثر بگذارد.

بر اساس هر دو معنا، مادر شدن و مادری کردن، از اجتماعی‌ترین فعالیت‌ها به شمار می‌رود.

چرا؟ زیرا بدون تردید، جامعه‌ای که از تک‌تک انسان‌ها تشکیل شده است، برای شکل‌گیری و تعالی خود، تنها به افراد مختلفی که گرد هم جمع شوند و صرفاً یک اجتماع را تشکیل دهند، نیاز ندارد؛ بلکه علاوه بر حضور افراد، به انسان‌های سالم و صالح نیز نیازمند است. به عبارت دیگر، هر جامعه‌ای برای رشد و پیشرفت خود، نیازمند حضور افراد سالم و صالح است. مگر نه این است که هرگاه حضور افراد سالم و تربیت‌یافته در جامعه‌ای کمرنگ شود، پیشرفت و تعالی آن جامعه نیز کمرنگ خواهد شد؟ مگر نه این است که معمولاً فساد در جامعه از سوی افراد ناسالم و ناصالح سر می‌زند؟ حال با توجه به این نکته، اگر زنی در جایگاه واقعی خود قرار بگیرد و با تربیت مادرانه خویش، فردی سالم، صالح، تربیت‌یافته و تأثیرگذار را به جامعه تحویل دهد که بتواند به رشد و پیشرفت آن کمک کند، آیا این کار یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اجتماعی زن محسوب نمی‌شود؟ اگر مادری بتواند فرزندی را تربیت کند که با علم، هنر، مهارت‌ها و روح پاک و سالم خود، تأثیرات بزرگی بر جامعه بگذارد، این کار به‌مراتب از بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی کوچک، بزرگ‌تر و مهم‌تر است.

معنای دقیق و اصولی فعالیت اجتماعی همین است؛ نه اینکه لزوماً فعالیتی در برابر چشم دیگران انجام شود. چرا باید فعالیت‌های اجتماعی را صرفاً به‌گونه‌ای معنا کنیم که حتماً در برابر دیدگان دیگران اتفاق بیفتد ؟

گاهی یک فعالیت اجتماعی، با وجود آنکه در برابر چشم دیگران انجام نمی‌شود، چنان تأثیر عمیقی بر اجتماع می‌گذارد که تاریخ از آن به نیکی یاد می‌کند. گاهی مادرانی در دل خانه، فرزندانی را تربیت می‌کنند و به جامعه تحویل می‌دهند که تا قرن‌ها از آن مادر و تربیت او یاد می‌شود.

بسیاری از ما **داستان مشهور مادر ادیسون، مخترع معروف**، را شنیده‌ایم؛ اما به‌جاست یک بار دیگر آن را مرور کنیم.

روزی که به دلیل پایین بودن سطح استعداد و هوش ادیسون، او را از مدرسه اخراج کردند، معلم او در نامه‌ای محرمانه خطاب به مادرش نوشت: (ادیسون به دلیل هوش و استعداد بسیار پایین خود، توانایی تحصیل در این مدرسه را ندارد.)

اما مادر ادیسون نامه را این‌گونه برای پسرش خواند: فرزند شما هوش و استعداد بسیار بالایی دارد و مدرسه ما ظرفیت و توان آموزش به او را ندارد؛ بنابراین، شما خودتان به او آموزش دهید. به این ترتیب، مادر ادیسون آموزش فرزندش را در منزل آغاز کرد. ادیسون در سن ۱۳ سالگی اولین اختراع خود را ثبت کرد. مدتی پس از فوت مادرش، ادیسون صندوقچه او را باز کرد و تصمیم گرفت آن نامه را برای همه بخواند تا ثابت کند از کودکی نابغه بوده و معلمش اولین کسی بوده است که به این موضوع پی برده است.

اما هنگامی که متن اصلی نامه را دید، شروع به گریه کرد و تازه متوجه شد که محتوای نامه معلمش چیز دیگری بوده است!ادیسون تازه فهمید که مادرش چگونه از یک ادیسون کودن، یک ادیسون نابغه ساخته است!تا آنجا که می‌گویند ادیسون بعدها در خاطراتش نوشت:

«توماس ادیسون، فرد کودنی که توسط یک مادر قهرمان، به نابغه قرن تبدیل شد!»

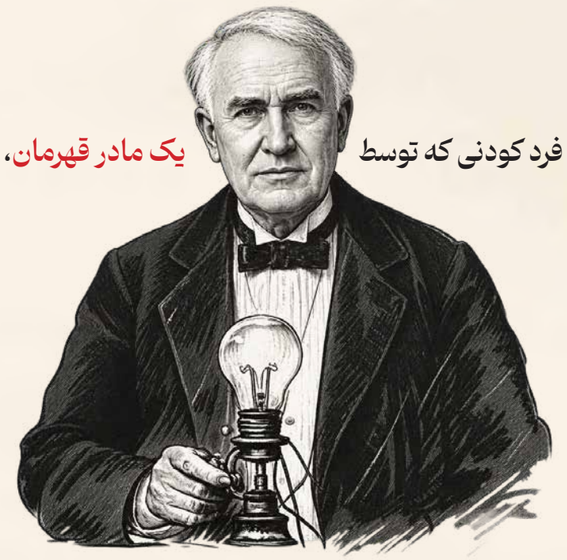

با تأملی کوتاه در این داستان درمی‌یابیم که ادیسون، که مخترع برق شد و امروز تمام دنیا به واسطه اختراع او در حرکت و جریان است، به‌گونه‌ای که حتی لحظه‌ای بدون اختراع او، چرخ‌دنده‌های بزرگ پیشرفت دنیا از حرکت بازمی‌ایستند، همه این موفقیت‌ها را مرهون تربیت مادر خود بوده است.آری، شاید بتوان گفت اگر مادر ادیسون در آن روز به آن شیوه برخورد نمی‌کرد و فرزندش را آن‌گونه تربیت نمی‌کرد، شاید مسیر تاریخ به شکل دیگری رقم می‌خورد.آری، این‌گونه است که یک مادر می‌تواند نه‌تنها بر جامعه، بلکه بر تاریخ تأثیر بگذارد؛ به‌گونه‌ای که تا قرن‌ها بعد، هرگاه سخن از ادیسون و اختراع برق به میان می‌آید، از تربیت مادر او نیز یاد می‌شود.

اما در مقابل، مادرانی که مأموریت اصلی خلقت خود، یعنی مادری را فراموش کرده و خود را به کارهای جانبی اجتماعی سپرده‌اند، اکنون حتی نامی از آن‌ها باقی نمانده و یادی از آن‌ها نمی‌شود.البته این تنها یک مثال بود.صرف‌نظر از این داستان و هزاران داستان و شخصیت تاریخی دیگر، باز هم نمی‌توان از حقیقت تأثیر مادر بر اجتماع، به واسطه تربیت فرزندی سالم و صالح، چشم‌پوشی کرد.

حال انتخاب با شماست.می‌توانید با تربیت فرزند و تحویل فردی تأثیرگذار به جامعه، نام خود را در تاریخ ثبت کنید یا برای همیشه در گرداب تاریخ به دست فراموشی سپرده شوید...

محمد هادی یعسوبی

خوش‌تر آن باشد که سرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران

• وقتی از بعضی‌ها می‌پرسیم چرا مادر نمی‌شوی، شاید این جواب را بشنویم: «باید جوونی‌مون رو پای بچه بذاریم؛ آخرش هم جوونی‌مون از دست میره، سلامتی‌مون کم میشه، بدنمون به‌هم می‌ریزه، اعصابمون فرسوده میشه و...» اما آیا واقعاً مادر شدن یعنی از دست دادن جوانی، سلامت و آرامش؟ یافته‌های علمی در این‌باره چه می‌گویند؟

• نگاهی به تأثیرات مثبت مادری بر سلامت جسم، به روایت منابع علمی و رسانه‌های بین‌المللی

• افزایش قدرت یادگیری و حافظه

نشریه معتبر نیچر (nature) از برجسته‌ترین نشریات علمی جامع جهان، مقاله‌ای با عنوانی قابل‌تأمل منتشر کرده است: «مادر شدن می‌تواند قدرت یادگیری و حافظه را افزایش دهد.»

سندش را اینجا ببینید

• کاهش ابتلا به خودکشی

«وبگاه علمی معتبر ساینس دیلی (sciencedaily) مقاله‌ای با عنوانی قابل‌تأمل منتشر کرده است: «مادر شدن باعث کاهش خودکشی می‌شود.»

سندش را اینجا ببینید

• کاهش ابتلاء به بیماری

«همین وبگاه علمی، مقاله دیگری نیز با عنوانی جالب درباره تأثیر مادر شدن بر سلامت جسم دارد: «مادر شدن باعث کاهش ابتلا به بیماری‌ها می‌شود.»

سندش را اینجا ببینید

• افزایش اعتماد به نفس

«روزنامه دیلی تلگراف (The Daily Telegraph) در یکی از مقالات خود به تأثیر فرزندآوری بر اعتمادبه‌نفس مادران پرداخته و می‌نویسد: فرزندآوری می‌تواند عزت‌نفس مادران را افزایش دهد.»

سندش را اینجا ببینید

• رشد مغزی

«انجمن روان‌شناسی آمریکا (American Psychological Association) در مقاله‌ای به یکی از آثار جالب فرزندآوری اشاره می‌کند: مادر شدن می‌تواند با رشد و تقویت توانایی‌های مغزی مادران همراه باشد.»

سندش را اینجا ببینید

• افزایش طول عمر

«وبگاه علمی ساینس دیلی (sciencedaily) نیز در مقاله‌ای به این موضوع پرداخته و می‌نویسد: فرزندآوری می‌تواند باعث افزایش طول عمر مادران شود.»

سندش را اینجا ببینید

چرا زخانه میروی؛ بررسی دلایل تمایل زنان به اشتغال

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در بررسی مسئله مادری باید به آن توجه کرد، شناخت موانعی است که بر سر راه ایفای این نقش قرار دارند؛ موانعی که گاه سبب می‌شوند برخی زنان حتی از فکر مادرشدن منصرف شوند.

در این میان، یکی از موضوعات مهم و قابل‌بررسی، اشتغال زنان در خارج از خانه و دلایل گرایش آنان به این مسئله است. شناخت و تحلیل این دلایل از آن جهت اهمیت دارد که اگر برخی از آن‌ها ریشه در ناهنجاری‌های اجتماعی داشته و به مانعی در مسیر مادری تبدیل شده‌اند، باید برای اصلاح آن‌ها چاره‌اندیشی کرد و اگر ناشی از نیازها و دغدغه‌های معقولی هستند که ذهن بانوان را به خود مشغول کرده‌اند، باید با بررسی دقیق، به این دغدغه‌ها پاسخ داد و برای رفع آن‌ها راهکار ارائه کرد.

کتاب «**آسمانی نشان، آسمانی بمان**» اثر حجت‌الاسلام عباسی ولدی، به بررسی و تحلیل ۱۶ دلیل گرایش زنان به اشتغال پرداخته است. دلایلی همچون نیازهای جامعه، رقابت‌های جنسیتی، تضعیف جایگاه مادری، گسترش مصرف‌گرایی و کمرنگ‌شدن روحیه قناعت، استقلال‌طلبی زنان، احساس ناامنی اقتصادی پس از طلاق، چشم‌وهم‌چشمی، مشکلات اقتصادی و دلایل دیگری که هرکدام به‌صورت جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

اگر شما نیز به دنبال شناخت دقیق‌تر دلایل گرایش زنان به اشتغال و بررسی ابعاد مختلف این مسئله هستید، مطالعه این کتاب را از دست ندهید.

مادر بودن، حتی وقتی زندگی طبق برنامه پیش نمی‌رود؛ ۱۴ روایت واقعی از زندگی مادران

کتاب مادر پروازی اثر محمد علی جعفری چهارده خرده‌روایت از مادرانی است که روایت‌گر تجربه‌های متفاوت شده‌اند. با همه مسائلی که ما در طول روز با آن مواجهیم، آن‌ها هم دست و پنجه نرم می‌کنند؛ اما نقش مادرانه خود را هرگز از یاد نمی‌برند. حکایت‌هایی نُقلی و معطرِ مادرانه که وقتی خوانده می‌شود، احساس می‌کنیم ما هم در قالبی دیگر با آن‌ها روبرو بودیم. در بالا و پایین شدن جاده زندگی، مهر مادری سوخت اصلی این مسیر زیبا، شیرین و گاهی تلخ است. جاده‌ای که گاهی انتظار یک حادثه عجیب و پیچیده را در آن نداشتند؛ ولی چرخ روزگار طور دیگری چرخید و آن‌ها مجبور شدند با تمام توانشان در این راه باقی بمانند. خرده روایت‌هایی مادرانه که اگر با چشم و گوش خودمان ندیده و نشنیده بودیم، مثل خیلی‌ها وجودشان را از بیخ انکار می‌کردیم. مادران این کتاب یک حرف مشترک دارند و آن اینکه، شرایط زندگی هر طور که باشد، فرزندپروری یکی از ارکان اصلی زندگی است. یک مادر خودش دکتر زنان زایمان است، یک مادر در یکی از دانشگاه‌های توکیو درس می‌خواند و دیگری درگیر سندرم‌داون فرزندش است و... این مشکلات، صفحه جدیدی از زندگی برای مادران است. درواقع بچه‌ها با تمام مشکلات ریز و درشتشان، جواز ورود آن‌ها به بهشت هستند. چه مرد باشید و چه زن، با خواندن کتاب «**مادر پروازی**» تجربه‌های جدیدی را پشت‌سر خواهید گذاشت. تجربه‌هایی از جنس پدران و مادران

روز ۲۲ آبان شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها تسلیت باد

فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) یک زن اسلامی است، زنِ در بالاترین طراز زن اسلامی، یعنی در حدّ یک رهبر، امّا همین زنی که از لحاظ فضایل و مناقب و حدّ وجودی میتوانست پیغمبر باشد، همین زن مادری میکند، همسری میکند، خانه‌داری میکند؛ ببینید اینها را باید فهمید. این فریفتگان غافلِ -انسان چه بگوید؟- حرفهای پوچ غربی‌ها، این‌قدر خانه‌داری را تحقیر نکنند. معنای خانه‌داری زن تربیت انسان است، معنایش تولید والاترین و بالاترین محصول و متاع عالم وجود است؛ یعنی بشر. خانه‌داری یعنی این.

بیانات رهبر شهید در دیدار
مداحان اهل بیت علیهم‌السلام
۱۳۹۵/۱۲/۲۹

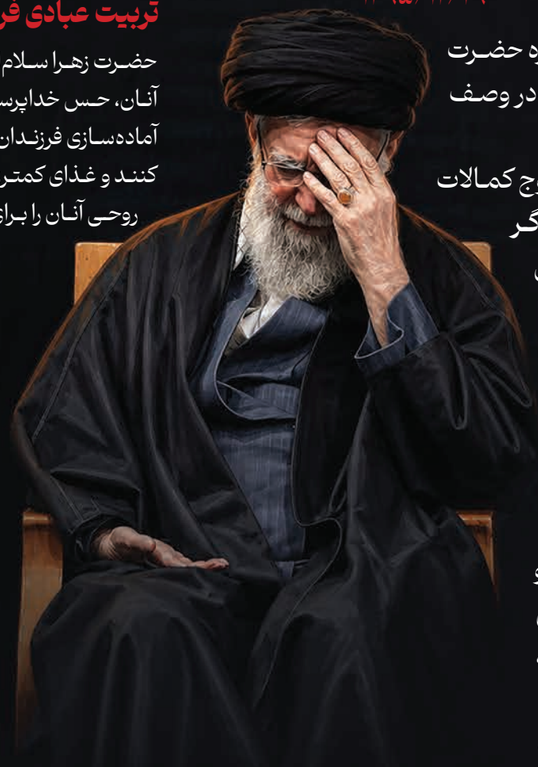

یکی از روشن‌ترین جلوه‌های عظمت و قداست مقام مادری و خانه‌داری را می‌توان در سیره حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها مشاهده کرد؛ بانویی که عظمت شخصیت او فراتر از آن است که در وصف بگنجد.

حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها با اینکه برترین و والاترین بانوی عالم هستی است، با اینکه در اوج کمالات روحی، اخلاقی، علمی و معنوی قرار دارد، با اینکه به تعبیر امام خمینی رحمه‌الله‌علیه «**اگر مرد بود، نبی بود؛ اگر مرد بود، به جای رسول‌الله بود**»[1]، با اینکه از چنان مقام ملکوتی برخوردار است که فرشتگان الهی با او سخن می‌گویند، با اینکه پاره تن رسول خدا و مایه خشنودی و رضایت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است، با اینکه در فضیلت و عظمت به جایگاهی رسیده که عقل بشر از درک حقیقت مقام او ناتوان است و او یک زن آسمانی نشان است، اما با همه این عظمت و شکوه، مادری می‌کند، خانه‌داری می‌کند و بخشی از عمر شریف خویش را صرف اداره خانه، همسرداری و پرورش فرزندان می‌سازد.

این حقیقت، پیام بسیار عمیقی در خود نهفته دارد. اگر مادری و خانه‌داری مسئولیت‌هایی کم‌ارزش و دونِ شأن انسان‌های بزرگ بود، چگونه ممکن بود بانویی با آن همه عظمت و کمال، به این مسئولیت‌ها اهتمام ورزد؟ حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها با سیره عملی خویش نشان داد که خانه‌داری و مادری نه در تعارض با عظمت روحی و مقامات بلند معنوی، بلکه خود می‌تواند عرصه‌ای برای ظهور والاترین کمالات انسانی و بندگی پروردگار باشد.

خانه برای حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها صرفاً محل انجام کارهای روزمره نبود؛ بلکه جایگاه تربیت انسان‌هایی بزرگ و پرورش نسلی بود که تاریخ بشریت را تحت تأثیر قرار دادند.

ازاین‌رو، مادری بزرگ است، زیرا فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها مادری می‌کرد؛ خانه‌داری ارزشمند است، زیرا بانویی که سرآمد زنان عالم و مظهر کمالات انسانی بود، به آن اهتمام می‌ورزید. همین حقیقت کافی است تا دریابیم مادری و خانه‌داری، برخلاف تصور برخی، مسئولیت‌هایی ساده و کم‌اهمیت نیستند، بلکه می‌توانند از شریف‌ترین جلوه‌های حیات انسانی و از مسیرهای دستیابی به قرب الهی باشند.

۱. صحیفه امام خمینی (ره) ج ۷ ص ۳۳۷

روایتی از خانه فاطمه سلام‌الله‌علیها

در ادامه، گوشه‌هایی از سیره حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در خانه‌داری، مادری و تربیت فرزند را روایت می‌کنیم.

خانه‌داری حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها

حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها و امیرالمؤمنین علیه‌السلام با یکدیگر عهد کرده بودند که کارهای بیرون از منزل بر عهده امیرالمؤمنین و کارهای داخل خانه بر عهده حضرت زهرا باشد. آن حضرت کارهای خانه را خود انجام می‌داد؛ گندم را آسیاب می‌کرد، به‌گونه‌ای که دستان مبارکش تاول زده بود؛ خمیر درست می‌کرد، آتش زیر دیگ را روشن می‌کرد و نان می‌پخت. همچنین خانه را جارو می‌زد و نظافت می‌کرد، بچه های کوچکش را استحمام می کرد ، به دوخت‌ودوز می‌پرداخت و با مشک آب می‌آورد، تا جایی که اثر حمل مشک بر بدن مبارکش نمایان شده بود.

کتاب ترجمه مسند حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها اثر عزیزالله عطاردی / کتاب فرهنگ فاطمیه اثر مهدی نیلی پور

تربیت عبادی فرزندان

حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها از دوران کودکی، فرزندان خود را متوجه خداوند و مأنوس با عبادت می‌کرد و متناسب با توان و استعداد آنان، حس خداپرستی را در وجودشان تقویت می‌کرد و بذر محبت الهی را در دل‌هایشان می‌کاشت. نمونه‌ای از این اهتمام را می‌توان در آماده‌سازی فرزندان برای شب‌زنده‌داری در شب‌های قدر مشاهده کرد؛ آن حضرت در طول روز فرزندان را می‌خواباند تا به‌خوبی استراحت کنند و غذای کمتری به آنان می‌داد (تا از سنگینی غذا و خواب‌آلودگی ناشی از آن جلوگیری شود)، و بدین ترتیب، زمینه آمادگی جسمی و روحی آنان را برای عبادت و شب‌زنده‌داری فراهم می‌ساخت.

مستدرک الوسائل ، ج۷ ، ص۴۷۰

روایتی شنیدنی از رابطه مادرانه حضرت فاطمه سلام الله علیها و فرزندش

حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها، فرزندش امام حسن علیه‌السلام را که هنوز هفت سالش نشده بود، به مسجد می‌فرستاد تا به سخنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله گوش دهد و هرچه را می‌شنود، به خاطر بسپارد و برای مادر بازگو کند.

امام حسن علیه‌السلام نیز پس از بازگشت به خانه، سخنان جد بزرگوارش را با نظم و دقتی مثال‌زدنی و بیانی شیرین و شیوا برای مادر تعریف می‌کرد.

از آن پس، هرگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به خانه می‌آمد، با تعجب می‌دید که حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها از تازه‌ترین آیات قرآن و سخنان پیامبر آگاه است. روزی از ایشان پرسید: «این مطالب را از کجا آموخته‌ای؟»

حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها پاسخ داد: «فرزندم حسن، هر روز آنچه را از پیامبر می‌شنود، برایم بازگو می‌کند.»

روزی امیرالمؤمنین علیه‌السلام تصمیم گرفت خودش سخنان فرزندش را بشنود و ببیند امام حسن علیه‌السلام چگونه گفته‌های پیامبر را برای مادر نقل می‌کند. به همین خاطر، در گوشه‌ای از خانه، پشت پرده پنهان شد.

امام حسن علیه‌السلام طبق معمول از مسجد بازگشت و نزد مادر رفت تا شنیده‌های آن روز را برایش تعریف کند؛ اما این بار اتفاق عجیبی افتاد! کودکی که همیشه سخنان پیامبر را با بیانی روان و شیرین بازگو می‌کرد، ناگهان زبانش به لکنت افتاد و به‌سختی می‌توانست کلمات را ادا کند.

حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها با تعجب پرسید: «پسرم! چرا امروز نمی‌توانی مثل همیشه راحت صحبت کنی؟»

امام حسن علیه‌السلام پاسخ داد:

«مادر جان! گویی شخصیت بزرگی در اینجا حضور دارد و به سخنانم گوش می‌دهد؛ برای همین زبانم به لکنت افتاده و دیگر نمی‌توانم مثل همیشه شیوا سخن بگویم.»

در همین لحظه، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام از پشت پرده بیرون آمد، فرزندش را در آغوش گرفت و او را بوسید.

دانشنامه امام حسن علیه السلام ، ج۱ ، ص ۲۶۶